

اخبار و گزارش های کارگری 12 مهرماه 1405

- بیانیه کانون فرهنگیان اسلامشهر به مناسبت ۵ اکتبر (۱۳ مهر ۱۴۰۵)، روز جهانی معلم
- ادامه یکشنبه های اعتراضی کارگران بازنشسته تامین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق، عدم پرداخت بدهی دولت و بیمه درمانی نامناسب با راهپیمایی و تجمع در شهرهای اهواز، رشت و کرمانشاه مقابل اداره کل کار استان های خوزستان، گیلان، و کرمانشاه، شوش مقابل اداره کار شهرستان،
- و تهران تجمع مشترک بازنشستگان تامین اجتماعی فرهنگی و مخابرات مقابل سازمان تامین اجتماعی
- ادامه اعتراضات کارگران بازنشسته صنعت فولاد اصفهان نسبت به سطح نازل حقوق منجمه اجرا نشدن همسان سازی، عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی و ادغام صندوق بازنشستگی فولاد با کشوری، با راهپیمایی و تجمع مقابل استانداری و سردادن شعار «دشمن ما همین جاست دروغ می‌گند آمریکاست»
- ناامنی شغلی امروز، فقر دوران سالمندی را بازتولید می‌کند
- ادامه کنش های کارگران کارخانه ریسندگی خاورگیلان برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و بی خیالی مسئولان
- تجمع اعتراضی جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی نسبت به احکام صادرشده از سوی کمیته انضباطی
- وضعیت فاجعه بار خوابگاه های دانشگاه تهران در شروع سال تحصیلی جدید
- وضعیت فاجعه بار خوابگاه های دانشگاه تهران، خوابگاه های سطح شهر بدتر از همیشه
- آن ها عزیزان شان را از دست داده اند، اما در این رنج تنها نمانده اند.
- سومین روز اعتصاب غذای مسعود فرهیخته، فعال صنفی معلمان و مدافع حقوق بشر به همراه زرتشت احمدی راغب در اعتراض به اعدام ها
- محکومیت نریمان فرهادی، عضو هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان خوزستان
- تجمع اعتراضی جمعی از کسبه بازار جنت نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان مقابل ساختمان شورای شهر تهران
- نسل کشی در غزه
- شبکه های حفاظتی را از هم پاشیده اند.

- گسترش اعتراضات دانش‌آموزان فرانسه؛ از کمبود معلم و مدارس فرسوده تا ورود سندیکاهای معلمان و تشکل‌های دانش‌آموزان و دانشجویان

- بحران مسکن اسپانیا؛ از اعتراض مستأجران و رد طرح‌های دولت تا فراخوان برای اعتصاب عمومی

- بازهم واژگونی سرویس رفت و آمد کارگران کشاورزی؛ اینبار مرگ و مصدومیت 4 کارگر در سردشت

- جان باختن 2 کارگرمقتی در شهرستان‌های تویسرکان و نهاوند بر اثر سقوط در چاه

*بیانیه کانون فرهنگیان اسلامشهر به مناسبت ۵ اکتبر (۱۳ مهر ۱۴۰۵)، روز جهانی معلم

یونسکو به روال چند سال گذشته، ۵ اکتبر روز جهانی معلم را با معرفی شعاری گرامی می‌دارد، شعار سال ۲۰۲۶ روز جهانی معلم

ایستادن در کنار معلمان: ۶۰ سال حمایت از حرفه معلمی، ارتقای جایگاه معلمان و بازآفرینی فرداهایمان

اما در ایران، این روز با معلمانی که در زندان به جرم مطالبه عدالت آموزشی استعفاهای متعدد، معیشت فروپاشیده و کتب درسی توزیع‌نشده همزمان شده است.

کانون فرهنگیان اسلامشهر به‌درستی هشدار داده بود که آنچه در مدارس می‌گذرد، "خط مقدم آینده این سرزمین" است. اگر این سه بحران —

▲خروج نیروی انسانی،

▲فروپاشی معیشت و

▲ناکارآمدی زیرساختی

با چاره‌اندیشی فوری و ساختاری مهار نشوند، نظام آموزشی نه در آستانه فروپاشی، بلکه در میانه آن خواهد بود.

کانون فرهنگیان اسلامشهر در آستانه ۵۰ سال تحصیلی فروپاشی نظام آموزش ایران را متذکر شده بود و با توجه به گزارش‌های میدانی، نظام آموزشی ایران در آستانه سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۶ نه تنها با بحران‌های ساختاری مزمن دست‌وپنجه نرم می‌کند، بلکه نشانه‌های یک فروپاشی قریب‌الوقوع در حوزه منابع انسانی، معیشت و زیرساخت‌های اولیه را نیز آشکار ساخته است.

ریشه اصلی استعفاها را باید در شکاف عمیق میان درآمد و هزینه زندگی جست‌وجو کرد. بر اساس گزارش‌ها، میانگین دریافتی معلمان حدود ۲۵ میلیون تومان است، در حالی که هزینه‌های زندگی در

یک شهر متوسط دست کم ۶۰ تا ۷۵ میلیون تومان برآورد می‌شود. این بدان معناست که حقوق یک معلم، حتی به نصف خط فقر رسمی نیز نمی‌رسد.

برای معلمان تازه‌استخدام، فاجعه عمیق‌تر است: حقوق ۱۶ تا ۱۷ میلیون تومانی آنان از حداقل حقوق یک کارگر ساده (۲۲ تا ۲۵ میلیون تومان) نیز کمتر است و حتی کفاف هزینه رفت‌وآمد را نمی‌دهد. نتیجه مستقیم این وضعیت، روی آوردن معلمان به شغل دوم یا سوم، فرسودگی شغلی و کاهش شدید انگیزه برای ماندن در حرفه است.

این شرایط در روز جهانی معلم (۵ اکتبر) که برای بزرگداشت مقام معلم نام‌گذاری شده است، به یک طنز تلخ تبدیل می‌شود: معلمی که خود برای بقای اقتصادی خانواده‌اش می‌جنگد، چگونه می‌تواند رسالت تربیتی نسل آینده را با انگیزه دنبال کند؟

بیانیه کانون فرهنگیان اسلامشهر به بحران بودجه اشاره کرده بود، این بحران در توزیع نامناسب و با تأخیر کتب درسی نمود عینی یافته است.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از چاپ ۱۶۴ میلیون جلد کتاب خبر داده و کمبود را تکذیب کرده است؛ اما واقعیت میدانی چیز دیگری می‌گوید. گزارش‌هایی از عدم توزیع کتب درسی دریافت شده است.

کانون فرهنگیان اسلامشهر ضمن تبریک ۵ اکتبر به معلمان آزاده اعلام میدارد، راه توسعه پایدار و رسیدن به جامعه پویا و متکثر از مدارس، توجه به نظام آموزشی و مشارکت واقعی معلمان در تصمیم‌گیری‌های آموزشی از مسیر تشکل‌های مستقل می‌گذرد.

کانون فرهنگیان اسلامشهر

۱۳ مهر ماه ۱۴۰۵

*ادامه یکشنبه‌های اعتراضی کارگران بازنشسته تامین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق، عدم پرداخت بدهی دولت و بیمه درمانی نامناسب با راهپیمایی و تجمع در شهرهای اهواز، رشت و کرمانشاه مقابل اداره کل کار استان‌های خوزستان، گیلان، و کرمانشاه،

شوش مقابل اداره کار شهرستان،

و تهران تجمع مشترک بازنشستگان تامین اجتماعی فرهنگی و مخابرات مقابل سازمان تأمین اجتماعی

یکشنبه ۱۲ مهر

«اعتراض تجمع تشکل مستقل حق ماست حق ماست»

«تجمع اعتراض حق مسلم ماست»

«این همه بی‌عدالتی هرگز ندیده ملت»

«همبستگی اتحاد پایان ظلم و بیداد»
«نابودباد بردگی زنده باد زندگی»
«تالغوحکم اعدام ایستاده ایم تا پایان»
«غنی سازی زندگی رفاه شادی آزادی»
«نه جنگ می خواهیم نه کشتار رفاه می خواهیم ماندگار»
«جنگ مذاکره بهانه ست زندگی ما نشانه ست»
«فقط کف خیابون به دست میاد حقمون»
«بازنشسته داد بزن حق توفریاد بزن»
«بازنشسته بپاخیز برای رفع تبعیض»
«تا حق خود نگیریم از پا نمی نشنیم»
«معارض زندانی آزاد باید گردد»
«کارگر زندانی آزاد باید گردد»
«معلم زندانی آزاد بایدگردد»
«زندان سیاسی آزاد باید گردد»
«درمان رایگان حق مسلم ماست»
«افزایش مزایا حق مسلم ماست»
«نرخ ارز تورم دزدی از جیب مردم»
«وعده وعید کافیه سفره ما خالیه»
«با داروهای آزاد درمان شده مکافات»
«ظلم و ستم فراوان مارا کشاند خیابان»
«خیابان خیابان سنگر زحمتکشان»
«حسین حسین شعارتون دروغ و دزدی کارتون»
«وعده وعید چه خوب بود ولی همش دروغ بود»
«زیربارستم نمی کنیم زندگی جان فدا می کنیم درره آزادی ننگ براین زندگی ننگ براین زندگی»

«کشور پر درآمد چی بر سر تو آمد»
«ایران پر درآمد مسئول بی لیاقت چه بر سر تو آورد»
« نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت»
«آقا زاده رو گنجه باز نشسته در رنجه»
«مدعی عدالت خجالت خجالت»
«مدعی عدالت تاکی دروغ به ملت»
«نه خواری نه ذلت مرگ بر این عدالت»
«حاصل کار دولت غارت جیب ملت»
«ظلم و ستم کافیه سفره ما خالیه»
«مشکل ما این زمان معیشت است و درمان»
«درمان باز نشسته فاجعه ای گسترده»
« دولت ورشکسته برای باز نشسته شمشیر و از روبسته»
«دولت بی لیاقت مجلس بی خاصیت نمی خوایم نمی خوایم»
«دولت فرمایشی حقوق فرسایشی»
«باحقوق کم ما میدری زندگی کن»
«حقوق باز نشسته فقط واسه یه هفته»
«حقوق باز نشسته تموم میشه یک هفته»
«یخچال باز نشسته خالی تر از گذشته»
«نه پول داریم نه نونی لعنت بر این گرونی»
«گرانی تورم بلای جان مردم»
«تامین اجتماعی از انحصار دولت آزاد باید گردد»
«دولتی ها مجلسی ها صندوق ما خصوصیه این اخطار اساسیه»
«تامین غارت کردند مارو بیچاره کردند»
«بیمارستان ملکی حق مسلم ماست»

تصاویر:

تهران:



شوش:



کرمانشاه:



*ادامه اعتراضات کارگران بازنشسته صنعت فولاد اصفهان نسبت به سطح نازل حقوق منجمله اجرا نشدن همسان سازی، عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی وادغام صندوق بازنشستگی فولاد باکشوری، با راهپیمایی و تجمع مقابل استانداری و سردادن شعار «دشمن ما همین جاست دروغ می‌گند آمریکاست»

روزیکشنبه 12 مهر، کارگران بازنشسته صنعت فولاد اصفهان با راهپیمایی و تجمع مقابل استانداری و سردادن شعار «دشمن ما همین جاست دروغ می‌گند آمریکاست» به اعتراضات دامنه دارشان نسبت به سطح نازل حقوق منجمله اجرا نشدن همسان سازی، عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی وادغام صندوق بازنشستگی فولاد باکشوری، ادامه دادند.



*ناامنی شغلی امروز، فقر دوران سالمندی را بازتولید می‌کند

ایران در حالی با افزایش سریع سهم سالمندان از جمعیت روبه‌روست که بخش‌هایی از نیروی کار با اشتغال غیررسمی، دستمزد پایین و پوشش ناکافی بیمه‌ای به سال‌های بازنشستگی نزدیک می‌شوند. علیرضا نوایی، فعال کارگری، در گفت‌وگو با زمانه می‌گوید فقر سالمندان مسئله‌ای مربوط به آینده نیست و بازنشستگان همین امروز نیز با آن مواجه‌اند. به اعتقاد او، گسترش اشتغال بدون بیمه، تضعیف منابع تأمین اجتماعی و کاهش توان خانواده‌ها برای حمایت از والدین سالمند می‌تواند وضعیت نسل‌های بعدی را دشوارتر کند. نوایی مسئله سالمندی را از وضعیت عمومی نیروی کار جدا نمی‌داند و معتقد است سرنوشت بازنشستگان آینده از شرایط اشتغال و تأمین اجتماعی کارگران امروز آغاز می‌شود.

ایران با شتابی کم‌سابقه به سوی سالمندی جمعیت حرکت می‌کند. بر اساس اعلام وزارت بهداشت و پیش‌بینی مرکز آمار ایران، سالمندان که اکنون حدود ۱۲ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، تا سال ۱۴۳۰ به بیش از ۲۶ درصد جمعیت خواهند رسید؛ یعنی در کمتر از ۲۵ سال، بیش از یک‌چهارم جمعیت ایران سالمند خواهد بود. اما مسئله فقط افزایش شمار سالمندان نیست. بخش قابل توجهی از نسلی که در دهه‌های آینده وارد سالمندی می‌شود، سال‌های اشتغال خود را در اقتصادی با تورم مزمن، بیکاری، دستمزدهای پایین، اشتغال غیررسمی و بی‌ثبات، قراردادهای موقت و پوشش ناکافی بیمه‌ای سپری کرده است. در نتیجه این پرسش مطرح می‌شود که آیا ایران در کنار «سالمندی جمعیت»، با گسترش «فقر در سالمندی» نیز روبه‌رو خواهد شد و نظام بازنشستگی و تأمین اجتماعی تا چه اندازه برای چنین تحولی آمادگی دارد؟

نشانه‌های این بحران را می‌توان از هم‌اکنون در زندگی کارگران سالمند و روزمزدی دید که پس از دهه‌ها کار، بدون مستمری، بیمه یا پس‌انداز به سنین بالا رسیده‌اند و برای تأمین ابتدایی‌ترین هزینه‌های زندگی همچنان ناچار به کارند. گسترش اشتغال غیررسمی و محرومیت از بیمه می‌تواند همین وضعیت را در مقیاسی بسیار بزرگتر برای نسل‌های بعدی بازتولید کند؛ به‌ویژه با ورود متولدین پرشمار دهه ۱۳۶۰ به سن سالمندی. از این منظر، مسئله سالمندی در ایران تنها یک تحول جمعیت‌شناختی یا بهداشتی نیست، بلکه مسئله‌ای در حوزه اقتصاد سیاسی، بازار کار و عدالت اجتماعی است: چه بر سر نسلی خواهد آمد که پیر می‌شود، اما بخش‌هایی از آن از حق بازنشستگی، درآمد پایدار و شبکه مؤثر حمایت اجتماعی برخوردار نیست؟ با آقای علیرضا نوایی، فعال کارگری این پرسش‌ها را به بحث گذاشتیم:

علیرضا نوایی افزایش شمار سالمندان و بالا رفتن امید به زندگی را فی‌نفسه نشانه‌ای مثبت می‌داند، اما می‌گوید افزایش سهم سالمندان در جمعیت ایران را باید در کنار کاهش زاد و ولد نیز در نظر گرفت. از نگاه او، مسئله فقر در سالمندی پدیده‌ای مربوط به آینده نیست و کارگران بازنشسته و سالمندان همین امروز نیز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. نوایی تأکید می‌کند:

باید بگوییم که همین اکنون نیز کارگران بازنشسته و سالمندان با فقر دست‌وپنجه نرم می‌کنند. همانند کارگران شاغل، فقر در یک جامعه فقط به میزان مستمری یا حقوق سالمندان محدود نمی‌شود. مسئله درمان نیز مطرح است؛ همچنین چگونگی استفاده از دوران بازنشستگی، به این معنا که سالمندان

بتوانند از امکاناتی مانند سفر استفاده کنند، برنامه‌های فرهنگی و ورزشی داشته باشند و اگر برای زندگی روزمره خود به کمک نیاز دارند، از حمایت برخوردار شوند.

به گفته او، حمایت‌های دولتی و اجتماعی باید امکان زندگی مستقل و تأمین نیازهای سالمندان را فراهم کند:

از این منظر باید بگویم که سالمندان هم‌اکنون نیز با فقر دست‌وپنجه نرم می‌کنند و خطر مواجهه آنها با فقر بیشتر نیز قابل مشاهده است. البته من پیشگو نیستم و نمی‌توانم پیش‌بینی کنم؛ فقط می‌توانم بگویم اگر سیاست‌هایی که در بیش از چهار دهه گذشته در جمهوری اسلامی ایران در قبال کارگران شاغل، بازنشستگان و سالمندان پیش رفته است، ادامه پیدا کند، طبیعتاً سالمندان با فقر و فلاکت بیشتری روبه‌رو خواهند شد.

اشتغال غیررسمی منابع تأمین اجتماعی را نیز تضعیف می‌کند

نوایی یکی از ریشه‌های وضعیت کنونی را در سیاست‌های اقتصادی می‌بیند که با ارزان‌سازی نیروی کار همراه بوده است. او معتقد است سیاست‌های ریاضتی با هدف تأمین سود بیشتر برای کارفرمایان و اختصاص منابع به نهادهای مذهبی، امنیتی و نیروهای نیابتی در منطقه، به جای گسترش امکانات اجتماعی، در شکل‌گیری وضعیت کنونی نقش داشته‌اند.

به گفته او، یکی دیگر از عوامل مؤثر، نادیده گرفتن گسترش کار سیاه توسط حکومت، اشتغال غیررسمی و کار پلتفرمی است. نوایی همچنین به ارسال فهرست‌های ناقص بیمه، پرداخت نشدن حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور، معافیت برخی کارفرمایان از پرداخت حق بیمه و پرداخت نشدن سهم دولت اشاره می‌کند:

از سوی دیگر، در میان کارگران شاغل نیز با مواردی مانند ارسال فهرست‌های بیمه ناقص، پرداخت نشدن حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور، معافیت کارفرمایان در بخش‌هایی از مشاغل از پرداخت حق بیمه و همچنین پرداخت نشدن سهم حق بیمه از سوی دولت مواجه هستیم. این موارد برای سازمان تأمین اجتماعی مشکلاتی ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که این سازمان هم‌اکنون نیز در پاسخگویی به نیازهای کارگران بازنشسته و مستمری‌بگیران با مشکل مواجه است؛ چه از نظر سطح پایین حقوق آنان و چه از نظر درمان و سایر امکانات اجتماعی که تأمین آنها باید از وظایف سازمان تأمین اجتماعی باشد.

او اعتراض‌های مستمر بازنشستگان را نشانه‌ای از همین وضعیت می‌داند:

گواه ادعای من نیز اعتراضات کارگران بازنشسته و مستمری‌بگیران در بخش‌های مختلف است. از جمله در روزهای یکشنبه و دوشنبه، بازنشستگان تأمین اجتماعی و مخابرات تجمع می‌کنند. همچنین بازنشستگان صنعت نفت، هواپیمایی جمهوری اسلامی و بخش‌های دیگر نیز در اعتراض به سطح حقوق و وضعیت نامتناسب درمان تجمع و اعتراض می‌کنند.

شبکه سنتی حمایت خانوادگی نیز در حال تضعیف است

نوایی چشم‌انداز سالمندی نسل‌های کنونی نیروی کار را به وضعیت اشتغال و تأمین اجتماعی آنان پیوند می‌زند. به گفته او، آینده تا حد زیادی به این بستگی دارد که آیا کارگران غیررسمی تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرند، با کار سیاه مقابله می‌شود، سطح دستمزدها افزایش می‌یابد و حمایت‌های اجتماعی گسترش پیدا می‌کند یا نه. او معتقد است اگر سیاست‌های سال‌های گذشته تغییر نکند، وضعیت سالمندان در آینده نابسامان‌تر خواهد شد. نوایی در همان حال به تغییر دیگری در ساختار خانواده اشاره می‌کند:

در گذشته، وقتی نسل ما با پدران خود صحبت می‌کرد، آنها می‌گفتند «بیمه ما فرزندان ما هستند». اما اکنون وضعیت به گونه‌ای شده است که اگر فرزندان بتوانند از پس زندگی خودشان برآیند، باید هفت‌خان رستم را پشت سر بگذارند. گذشته از این، اکنون بخشی از بازنشستگان یا سالمندان، فرزندان بزرگسال بیکار در خانواده دارند. وقتی در تجمع‌های بازنشستگان شعار داده می‌شود «آقازاده تو گنجه، فرزند بازنشسته تو خونه نشسته»، به همین مسئله اشاره دارد. در ایران و برخی کشورهای منطقه، پیش‌تر وضعیت فرزندان شاغل به گونه‌ای بود که می‌توانستند بخشی از هزینه‌های والدین خود را تأمین کنند، اما این امکان نیز اکنون با مشکل روبه‌رو شده است.

از نگاه نوایی، فقر و مشکلات سالمندان مسئله‌ای فردی یا منحصر به بازنشستگان نیست، بلکه مسئله‌ای جمعی و مرتبط با وضعیت تمام نیروی کار است. او تأکید می‌کند که کارگران شاغل نیز در مطالبات مربوط به تأمین اجتماعی و حقوق بازنشستگان ذی‌نفع‌اند، زیرا در صورت ادامه وضعیت کنونی، آنچه امروز بر بازنشستگان می‌گذرد می‌تواند با شدت بیشتری به آینده کارگران شاغل منتقل شود.

<https://www.radiozamaneh.com/902195/>

*این مصاحبه را حسین نوش‌آذر انجام داده و متن را نیز او نوشته است.

***ادامه کنش‌های کارگران کارخانه ریسندگی خاورگیلان برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و بی‌خیالی مسئولان**

روزی‌کشنبه 12 مهر، کارگران کارخانه ریسندگی خاورگیلان ازادامه کنش‌های خود برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی منجمله مراجعه به اداره صمت استان گیلان و اداره کار، و فرمانداری شهرستان رشت و بی‌خیالی مسئولان، خبردادند.



یک منبع کارگری در رشت از تعطیلی حدوداً سه ماهه کارخانه ریسندگی خاور با 107 کارگر شاغل و بیکار شده این واحد تولیدی، همراه با سه ماه حقوق معوقه و 6 ماه حق بیمه، خبر داد.

یک منبع کارگری در رشت با بیان اینکه این واحد تولید کننده نخ پنبه‌ای، توسط یک کارفرمای بخش خصوصی اداره می‌شود، به خبرنگار رسانه ای گفت: به دنبال توقف فعالیت از حدوداً سه ماه پیش (14 تیر ماه)، حدود 107 کارگر این کارخانه بلاتکلیف شده‌اند و وضعیت شغلی 55 نفر از آنها نامشخص است.

بر پایه اظهارات کارگران، کارفرما به بهانه نوسازی کارخانه، تولید را متوقف کرده و فقط 40 نفر را به کار گرفته و مابقی را با حقوق معوقه و قطع بیمه تأمین اجتماعی، در وضعیت بلاتکلیفی رها کرده است.

گفته می‌شود کارگران در جریان پیگیری وضعیت کارخانه طی دو ماه گذشته، چندین بار مشکلات خود را به نهادهای مربوطه از جمله اداره کار، اداره صمت و فرمانداری اعلام کرده‌اند اما تا این لحظه اتفاق خاصی نیفتاده است.

یکی از کارگران این مجموعه در این باره گفت: فعالیت کارخانه ریسندگی خاور رشت، که از تولیدکنندگان انواع نخ پنبه‌ای است، از 9 اسفندماه سال گذشته با شرایط اضطراری متوقف شد و حدود 107 کارگر که عمدتاً نیروهای متخصص با سابقه 15 تا 20 سال بودند، از کار بیکار شدند.

او افزود که پس از تلاش‌هایی برای بازگشت به کار، در ماه‌های اردیبهشت و خرداد تنها حدود 40 نفر فراخوانده شدند و بیش از 55 کارگر دیگر بدون اعلام وضعیت مشخص، همچنان بلا تکلیف هستند.

این کارگر اظهار داشت: حقوق‌ها تنها تا خردادماه پرداخت شده و پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی نیز تا شش ماه به تأخیر افتاده است. در شرایطی که کارفرما برای بخشی از نیروها حکم بازگشت به کار صادر نکرده، حدود 20 نفر تا 55 کارگر تعدیلی در آستانه بازنشستگی قرار دارند.

یکی دیگر از کارگران بیکار شده با اشاره به پیشینه کارخانه گفت: این کارخانه پیش از این تحت تملک شرکت «آتیه‌سازان دماوند» قرار داشت که در مردادماه سال ۱۴۰۲ به بخش خصوصی واگذار شد. متأسفانه به دلیل عملکرد ضعیف کارفرمای جدید، این واحد تولیدی از همان بدو واگذاری، با بحران‌های جدی روبرو شد.

او افزود: در حال حاضر حدود 107 کارگر این کارخانه، علاوه بر 3 ماه حقوق و دست‌کم 6 ماه حق بیمه معوقه، حدود 12 سال سنوات طلبکارند. با اینکه پرداخت به موقع دستمزدها و تضمین امنیت شغلی از اصلی‌ترین تعهدات کارفرما در زمان واگذاری بود، اما به هیچ‌کدام تا کنون عمل نشده است.

یکی از کارگران درباره وضعیت فعلی گفت: ما 55 نفر در حالی از مهرماه جاری بلا تکلیف شده‌ایم که آخرین قرارداد کاری ما از 14 تیرماه تا پایان شهریور بود و این قرارداد، از اول مهرماه تمدید نشد. از جمله این افراد، 15 کارگر خانم هستند که تا پایان سال جاری شرایط بازنشستگی پیدا می‌کنند.

به گفته وی: متأسفانه علیرغم اطلاع مسئولان گیلان از همه مشکلات و مراجعات متعدد کارگران به نهادهای مربوطه، هیچ مسئولی در شهرستان رشت پیگیر وضعیت کارخانه نیست و بعد از گذشت چندین ماه از تعطیلی، هنوز هیچ اقدام مشخصی برای از سرگیری مجدد فعالیت تولیدی کارخانه و بازگشت به کار کارگران تعدیلی صورت نداده‌اند.

در حال حاضر، بازگشت به کار نیروهای تعدیلی، پرداخت حقوق‌های معوق، اصلاح وضعیت بیمه‌ای و برخورداری از حمایت‌های قانونی، مهم‌ترین مطالبات بیش از 55 کارگر تعدیلی است که پس از سال‌ها فعالیت تخصصی، اکنون با آینده‌ای نامعلوم روبرو شده‌اند.

در همین رابطه: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه ریسندگی خاور گیلان نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی و وعده‌های توخالی مسئولان

روزدوشنبه یکم تیر، کارگران کارخانه ریسندگی خاور گیلان برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی مبنی بر عدم پرداخت 3 ماه حقوق، 4 ماه حق بیمه و 11 سال سنوات و نبود مواد اولیه برای ادامه کار و وعده‌های توخالی مسئولان دست به تجمع مقابل

ورودی این واحد تولیدی واگذار شده به بخش خصوصی واقع در جاده رشت – فومن، استان گیلان زدند.

بنا به گزارش رسانه ای شده، شمار کارگران حاضر در این تجمع که به 100 نفر می رسید اعلام کردند کسی حاضر به پاسخگویی نیست و مسئولان فقط وعده وعید می دهند و عملی برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی آنه بر نمی دارند.

***تجمع اعتراضی جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی نسبت به احکام صادر شده از سوی کمیته انضباطی**

روزشنبه 12 مهر، جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی برای اعتراض به احکام صادره از سوی کمیته انضباطی مبنی بر محرومیت از تحصیل برای شماری از دانشجویان در لابی دانشکده ریاضی، پردیس رضایی نژاد تجمع کردند و خواستار توقف صدور و اجرای این احکام شده اند.



***وضعیت فاجعه بار خوابگاه های دانشگاه تهران در شروع سال تحصیلی جدید**

بنابر گزارش هایی که به تهران- دانشجو رسیده، وضعیت خوابگاه های دانشگاه تهران در شروع سال تحصیلی جدید به شکل اسفناکی بدتر از سال های پیشین بوده است. دانشجویان موارد بسیار متنوعی را مطرح کرده اند که در ادامه پیام تعدادی از آن ها را ذکر خواهیم کرد. تعداد گزارش های مرتبط با وضعیت فاجعه بار خوابگاه های دانشگاه تهران آن قدر زیاد است که باید به شکل سلسله ای و طی روزهای آینده منتشر شود.

دانشجویان خوابگاه چمران ذکر کرده اند که بر خلاف استلزام قانونی دانشگاه، هیچ آمبولانس و پزشکی در محیط خوابگاه حضور نداشته و دانشجویان حتی در نیمه شب مجبور شدند تا به درمانگاه های بیرون از خوابگاه مراجعه کنند!

ساکنین خوابگاه چمران همچنین گفته‌اند که فاصله حرکت اتوبوس‌ها از پردیس مرکزی تا خوابگاه به حدود چهل دقیقه رسیده و همین اتوبوس‌ها نیز کولرهایشان را روشن نمی‌کنند. کولرهای غالب اتاق‌های خوابگاه نیز خراب است و به دلیل تعداد زیاد دانشجویان، تحمل گرما سخت‌تر نیز می‌شود. همچنین، دانشجویان گزارش داده‌اند که سقف حمام و دستشویی ساختمان ۷۰ این خوابگاه دائماً در حال چکه‌کردن است و در اکثر راهروها و نقاط درونی این ساختمان بوی فاضلاب می‌آید. دانشجویان همچنین از خرابی تعداد زیادی از لباس‌شویی‌های خوابگاه چمران خبر داده‌اند. همچنین، بنا بر گزارش ساکنین این خوابگاه، گرفتگی چاه‌های فاضلاب در این خوابگاه شایع است؛ و حشراتی مانند هزارپا و سوسک دائماً در تمامی نقاط این خوابگاه دیده می‌شوند. برخی از دانشجویان از خرابی یخچال اتاقشان نیز خبر داده‌اند.

دانشجویان ساکن در مجتمع خوابگاه کوی دانشگاه تهران نیز گزارش مشابهی از وضعیت خوابگاه داده‌اند. به گزارش دانشجویان، اتاق‌های ساختمان جمال‌زاده کوی دانشگاه قابل سکونت نیستند و دیوارها و موکت‌های اتاق‌های این ساختمان پر از گرد و خاک و حشر است. برخی دانشجویان از خرابی کولرها و یخچال‌ها نیز گزارش داده‌اند؛ همچنین، طبق گزارشی که اخیراً در رسانه‌ها منتشر شده بود، میوه‌فروشی کوی دانشگاه که طرف قرارداد دانشگاه تهران است محصولاتش را به قیمت چندبرابر بازار به دانشجویان عرضه می‌کند. این در حالی‌ست که وظیفه دانشگاه هنگام انعقاد قرارداد با فروشندگان محصولات دانشجویی تأمین اکثریت هزینه محصولات است تا امکان تهیه آن‌ها توسط دانشجویان فراهم شود؛ اتفاقی که دقیقاً عکس آن رخ داده است.

ادامه وضعیت اسفناک بهداشتی خوابگاه‌ها در کنار مشکلات معیشتی جدی دانشجویان در حالی‌ست که هنوز تکلیف بسیاری از احکام کمیته‌های انضباطی نیز منتشر نشده است و علیرغم فشار گسترده بر دانشجویان، منابع خبر از بازگشت سازمان‌یافته گشت‌های ارشاد و حجاب‌بانان به دانشگاه می‌دهند. فعالین صنفی مستقل دانشگاه تهران بار دیگر نسبت به ادامه این روند هشدار می‌دهند. دانشجویانی که در تمامی میدان‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند، بی‌شک پاسخی درخور خواهند داد.

***وضعیت فاجعه‌بار خوابگاه‌های دانشگاه تهران، خوابگاه‌های سطح شهر بدتر از همیشه**

در خوابگاه‌های سطح شهر نیز وضعیت مشابه است. دانشجویان ساکن در خوابگاه بهنام می‌گویند وجود تنها پنج حمام و یک لباس‌شویی برای جمعیت حدوداً ۲۶۰ نفره این خوابگاه کفایت نمی‌کند. آن‌ها همچنین از نبود سالن مطالعه، آسانسور، توری، درزگیر و عایق‌گیر پنجره، آویز لباس، شکستگی میزها، کثیفی حمام‌ها، بو و گرفتگی فاضلاب و همچنین شکستگی شوفاژها خبر داده‌اند. ساکنین خوابگاه اسکو نیز از خرابی کولرها، ریزش آب از شوفاژها، خرابی تنها لباس‌شویی کل خوابگاه، رسوب‌گرفتگی توالت‌ها، سردی آب (بعضی واحدها بدون آب گرم و بعضی تأخیر زیاد در گرم شدن)، عدم وجود مایع دستشویی، خرابی پریش‌های برق، کثیفی موکت‌ها، گرفتگی چاه‌ها، نشی و خرابی شیر حمام، عدم وجود سطل زباله، خرابی یخچال بعضی واحدها، سوختگی لامپ‌ها و موارد دیگر خبر داده‌اند.

دانشجویان ورودی ۴۰۳ و ۴۰۴ ساکن ساختمان قدس ۱ نیز از شرایط نامناسب اتاق‌های خود خبر داده‌اند. به گزارش این دانشجویان، یکی از واحدهایی که پیش‌تر به عنوان انباری مورد استفاده قرار می‌گرفته، پس از تخلیه، به محل اسکان دانشجویان اختصاص داده شده است؛ به گونه‌ای که کمد‌های

فارسوده و وضعیت سیم‌کشی این واحد نیز همچنان نشان‌دهنده کاربری پیشین آن است! این اتاق در طبقه همکف ساختمان قدس ۱ و در مجاورت آسانسور قرار دارد و حتی فاقد پنجره است. دانشجویان این وضعیت را به شرایطی شبیه زندان تشبیه کرده‌اند.

همچنین، به گفته ساکنین، اینترنت در اتاق E با سرعت بسیار پایین همراه است و حتی آنتن تلفن همراه نیز در آن وجود ندارد. دانشجویان همچنین گزارش داده‌اند که پس از مراجعه به مسئولان خوابگاه و اعتراض به وضعیت اتاق، پاسخ مشخصی دریافت نکرده‌اند و به آن‌ها پیشنهاد شده است که خودشان دانشجویی را پیدا کنند که حاضر باشد اتاقش را با این اتاق تعویض کند؛ راهکاری که با توجه به وضعیت اتاق عملاً امکان‌پذیر نیست.

همچنین، دانشجویان ساکن خوابگاه حافظ از وضعیت نامناسب این خوابگاه خبر داده‌اند. به گزارش آنان، ساختمان خوابگاه که قدمت آن به دهه ۴۰ بازمی‌گردد با شرایط نامناسبی برای سکونت دانشجویان مواجه است. راهروهای خوابگاه بنا بر گزارش دانشجویان برای حدود هفت ماه نظافت مناسبی نداشته‌اند و وضعیت سرویس‌های بهداشتی و حمام‌ها نیز نامناسب و غیربهداشتی گزارش شده است. همچنین، آشپزخانه خوابگاه در مقابل سرویس بهداشتی و در فضایی محدود قرار گرفته و کف آن به‌طور مداوم دچار آب‌گرفتگی می‌شود؛ مسئله‌ای که نگرانی‌هایی درباره انتقال آلودگی به محل طبخ غذای دانشجویان ایجاد کرده است. دانشجویان همچنین از نبود سیفون و نقص فنی سرویس‌های بهداشتی خبر داده‌اند؛ مشکلاتی که به گفته آنان حریم خصوصی دانشجویان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. دانشجویان سال‌هاست که نسبت به وضعیت خوابگاه حافظ اعتراض دارند. ساختمانی قدیمی و بدون امکانات که به محلی برای تبعید دانشجویان سنواتی تبدیل شده است.

دانشگاه تهران- دانشجو

***آن‌ها عزیزان‌شان را از دست داده‌اند، اما در این رنج تنها نمانده‌اند.**

خانواده‌های جاویدنامان #عسل_منصوری، #پرنیان_دبیری، #سعید_زینالزاده، #حسین_فرهی، #امیرعلی_قنبرزاده و #سیاوش_محمودی، کنار یکدیگر ایستاده‌اند؛ کنار مزارها، کنار عکس‌ها و کنار خاطره کسانی که جای خالی‌شان برای همیشه باقی خواهد ماند.



دادخواهی، ما را به هم پیوند می‌دهد

این تصویر فقط تصویری از سوگ نیست؛ تصویری از همبستگی در دادخواهی است.

دادخواهی زمانی قدرتمندتر می‌شود که رنج خصوصی، انسان‌ها را از یکدیگر جدا نکند، بلکه میان آنان پیوند بسازد. وقتی خانواده‌ای که خود زخمی عمیق دارد، در کنار خانواده‌ای دیگر می‌ایستد و می‌گوید «درد تو، درد من هم هست»، حکومت دیگر با مجموعه‌ای از خانواده‌های پراکنده و تنها روبه‌رو نیست؛ با حافظه‌ای جمعی روبه‌روست که نمی‌خواهد فراموش کند.

در این سال‌ها، خانواده‌های دادخواه بارها نشان داده‌اند که دادخواهی فقط مطالبه روشن‌شدن حقیقت درباره یک عزیز نیست. مطالبه حق همه قربانیان برای حقیقت، عدالت و پاسخ‌گویی است؛ و درست به همین دلیل، همبستگی میان آنان اهمیتی فراتر از یک دیدار یا یک عکس پیدا می‌کند.

نام‌ها متفاوت‌اند، روایت‌ها متفاوت‌اند و زخم هر خانواده یگانه است؛ اما خواسته‌ای مشترک آنان را کنار یکدیگر قرار داده است:

نه فراموش می‌کنیم، نه دیگری را در دادخواهی تنها می‌گذاریم.

شاید یکی از ماندگارترین تصاویر دادخواهی همین باشد؛ دست‌هایی که در کنار مزار عزیزان، به نشانه پیروزی بالا می‌روند و خانواده‌هایی که با حضورشان می‌گویند:

تا رسیدن به حقیقت و عدالت، کنار یکدیگر می‌مانیم.

برگرفته از کانال ندای زنان ایران

***سومین روز اعتصاب غذای مسعود فرهیخته، فعال صنفی معلمان و مدافع حقوق بشر به همراه زرتشت احمدی راغب در اعتراض به اعدام‌ها**

دوشنبه ۱۳ مهر (۵ اکتبر) روز جهانی معلم با یاد

مسعود فرهیخته



**”روزی زندان ها تبدیل به
دانشگاه و باغستان می شوند و
زندانبانان هم باغبان“**

سومین روز اعتصاب غذای مسعود فرهیخته، فعال
صنفی معلمان و مدافع حقوق بشر به همراه
زرتشت احمدی راغب در اعتراض به اعدام ها

#معلم_زندانی_مسعود_فرهیخته

کانال فرهنگیان البرز

*محکومیت نریمان فرهادی، عضو هیئت‌مدیره کانون صنفی فرهنگیان خوزستان

بر اساس رأی صادره از شعبه چهارم دادگاه انقلاب اهواز، ایشان به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به پرداخت ۳۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده است. این حکم روز شنبه ۱۱ مهرماه ۱۴۰۵ به‌صورت استحضاری به وی ابلاغ شده است.

صدور چنین احکامی در آستانه روز جهانی معلم، ادامه روند نگران‌کننده امنیتی‌سازی فعالیت‌های صنفی و افزایش فشارهای قضایی بر فعالان مستقل فرهنگی است؛ روندی که نه‌تنها مانع پیگیری مطالبات مشروع معلمان نخواهد شد، بلکه بیانگر تداوم برخوردهای امنیتی با تشکلهای مستقل صنفی است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن اعلام همبستگی با نریمان فرهادی و دیگر فعالان صنفی تحت فشار، خواستار پایان دادن به پرونده‌سازی‌های امنیتی، لغو احکام صادرشده علیه معلمان و به‌رسمیت شناختن حق فعالیت آزادانه و مستقل تشکلهای صنفی فرهنگیان است.

*تجمع اعتراضی جمعی از کسبه بازار جنت نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده‌های توخالی مسئولان مقابل ساختمان شورای شهر تهران

روزیکشنبه ۱۲ مهر، جمعی از کسبه بازار جنت برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده‌های توخالی مسئولان مبنی بر انتقال کسبه به محل جدید و تأخیر در آماده‌سازی محل جدید، دست به تجمع مقابل ساختمان شورای شهر تهران زدند.



*نسل‌کشی در غزه

شبکه‌های حفاظتی را از هم پاشیده‌اند.

نوشته یاکوب رایمن

یونگه ولت دوم اکتبر ۲۰۲۶

گزارش سازمان ملل: زنان در غزه به دلیل اشغال و آوارگی به طور فزاینده‌ای در معرض خشونت جنسیتی قرار دارند. تعداد ازدواج کودکان نیز افزایش یافته است.

نوشته‌ی یاکوب رایمن Jakob Reiman

پیامدهای جنگ اسرائیل علیه جمعیت غیرنظامی فلسطینی در غزه و محاصره مداوم نوار ساحلی، به افزایش خشونت مبتنی بر جنسیت دامن زده است. شرایط زندگی شلوغ، ناامن و غیرانسانی در اردوگاه‌های آوارگان داخلی منجر به افزایش تجاوز، آزار و اذیت جنسی و همچنین خشونت خانگی و خشونت علیه شریک زندگی شده است.

این نتیجه‌ی مطالعه‌ای با عنوان «می‌خواهم دوباره احساس امنیت کنم» است که در اواسط سپتامبر توسط صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) منتشر شد. در این مطالعه، زنان و دختران از «وضعیت ترس مداوم و هوشیاری فزاینده» خبر می‌دهند، که مهم‌ترین دلیل آن فقدان حریم خصوصی است. جابجایی‌های اجباری مکرر همچنین «شبکه‌های حفاظتی جوامع و خانواده‌ها را از هم پاشیده» و در نتیجه زنان و دختران را در معرض خشونت جنسی فزاینده قرار داده است.

این شامل مواردی می‌شود که از یک سو، مردان فلسطینی «از شرایط آوارگی خود سوءاستفاده کرده‌اند». از سوی دیگر، گزارش‌هایی از خشونت جنسی که گفته می‌شود توسط نیروهای اشغالگر در ایست‌های بازرسی و در بازداشتگاه‌ها انجام شده است، وجود دارد. به عنوان مثال، مادری می‌خواست به همراه پسر و دخترش از یک ایست بازرسی اسرائیلی عبور کند. یک سرباز به او دستور داد که دخترش را پشت سر بگذارد و به راه خود ادامه دهد. آنها تهدید کردند که در غیر این صورت پسر را خواهند کشت، که در نتیجه مادر ادامه داد. دختر بعداً گزارش داد که توسط سربازان در ایست بازرسی مورد تحقیر کلامی و دستمالی نامناسب قرار گرفته است.

برای این گزارش، مرکز امور زنان فلسطین (WAC)، که توسط سازمان ملل متحد مأمور شده است، با ۲۳۰ زن ۱۹ تا ۶۳ ساله در اردوگاه‌های شهر غزه و خان یونس مصاحبه کرد. این مطالعه بر زندگی روزمره زنان و خطرات ناشی از خشونت مبتنی بر جنسیت متمرکز بود. همه مصاحبه‌شوندگان چندین بار - هر کدام بین دو تا ده بار - آواره شده بودند. میانگین آوارگی از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، هفت بار بود. در طول مصاحبه‌ها، به شرکت‌کنندگان اطلاعات جامعی در مورد خدمات حمایتی موجود در محل برای قربانیان خشونت مبتنی بر جنسیت داده شد.

با این حال، به دلیل «تخریب گسترده زیرساخت‌های نهادی غزه»، «بازماندگان خشونت جنسیتی» عملاً هیچ دسترسی به مراقبت‌های پزشکی پس از تجاوز یا سازوکارهای قانونی برای پاسخگو کردن عاملان آن ندارند. گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، موارد متعددی از آزار و اذیت

روزمره در توالت‌های عمومی را مستند می‌کند. زنان گزارش می‌دهند که از دوش گرفتن می‌ترسند و آرزوی زندگی قبل از جنگ خود با حمام‌های امن را دارند. آزار و اذیت و لمس ناخواسته همچنین در بازارهای شلوغ و نقاط توزیع غذا و آب رخ می‌دهد. حملات مداوم و محاصره مداوم، «نابرابری‌های جنسیتی از پیش موجود» جامعه محافظه‌کار نوار غزه را تشدید کرده است.

فاجعه انسانی که اسرائیل عمداً در غزه به راه انداخته، منجر به افزایش ازدواج کودکان و ازدواج‌های اجباری نیز شده است. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) اوایل امسال گزارش داد، در حالی که ازدواج کودکان زیر سن قانونی در سال‌های قبل از جنگ به تدریج کاهش یافته بود. و در سال ۲۰۲۲ به ۱۱ درصد از کل ازدواج‌ها رسید، این روند از سال ۲۰۲۳ معکوس شده است. به گفته نستور اومو هنگی، نماینده کشوری صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در فلسطین، "ما شاهد نابودی آینده یک نسل کامل هستیم: «دختران در غزه ازدواج را انتخاب نمی‌کنند - آنها به دلیل گرسنگی، ترس و آوارگی به این کار سوق داده می‌شوند." زنان و جوانان مجبور می‌شوند در ازای کالاهای ضروری مانند غذا و سرپناه، که به عنوان رابطه جنسی برای بقا پیشنهاد می‌شود، به اعمال جنسی تن دهند. زنی از خان یونس از پدری گفت که دختر ۱۴ ساله خود را در ازای دو کیسه آرد به ازدواج مردی در آورد تا او و دیگر فرزندان چیز برای خوردن داشته باشند

ترجمه: چت چی پی تی

ویراستار: محسن خوشبین

چهارم اکتبر ۲۰۲۶

***گسترش اعتراضات دانش‌آموزان فرانسه؛ از کمبود معلم و مدارس فرسوده تا ورود سندیکاهای معلمان و تشکل‌های دانش‌آموزان و دانشجویان**

اعتراضات دانش‌آموزان دبیرستانی فرانسه که حدود دو هفته پیش از یک دبیرستان در شهر کرتی در حومه پاریس آغاز شد، به سرعت به جنبشی سراسری تبدیل شده است. اعتراض‌ها که در ابتدا عمدتاً بر کمبود معلم، کلاس‌های پرجمعیت، ساعات طولانی تحصیل و وضعیت نامناسب ساختمان‌های مدارس متمرکز بود، اکنون با پیوستن دانشجویان، والدین و تشکل‌های معلمان و کارکنان آموزش و پرورش، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی دولت امانوئل ماکرون تبدیل شده است.



در یکم اکتبر، بیش از یک هزار دبیرستان، یعنی تقریباً یک‌چهارم دبیرستان‌های فرانسه، تحت تأثیر اعتصاب، تجمع یا مسدود شدن ورودی‌ها قرار گرفتند. اعتراض‌ها در برخی شهرها به درگیری با پلیس، استفاده از گاز اشک‌آور، آتش زدن سطل‌های زباله و آسیب دیدن ساختمان‌های مدارس کشیده شد. دولت اعلام کرده است که صدها مدرسه به دلیل آسیب‌دیدگی یا مسدود بودن امکان پذیرش دانش‌آموزان را ندارند.

با وجود برجسته شدن خشونت‌های حاشیه‌ای، مطالبات اصلی دانش‌آموزان همچنان به وضعیت آموزش بازمی‌گردد: کمبود معلم و پرسنل آموزشی، کلاس‌های شلوغ، کمبود امکانات، فرسودگی ساختمان‌ها، فشار ناشی از ساعات طولانی تحصیل و مشکلات مربوط به سامانه پذیرش آموزش عالی بنا بر آمار سامانه پذیرش آموزش عالی پارکورسوپ (Parcoursup)، بسیاری از دانش‌آموزان می‌گویند شرایط کنونی مدارس، به‌ویژه در مناطق محروم، فرصت‌های برابر آموزشی و آینده شغلی آنان را تهدید می‌کند.

واکنش دولت تاکنون عمدتاً امنیتی بوده است. مقام‌های دولتی از افزایش خشونت و دخالت گروه‌های افراطی سخن گفته‌اند و هزاران نفر در جریان اعتراضات بازداشت شده‌اند. در مقابل، اتحادیه‌های آموزشی ضمن محکوم کردن خشونت، بر مشروعیت بخش مهمی از مطالبات دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند و خواستار افزایش شمار کارکنان، کاهش تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌ها و بهبود شرایط تحصیل شده‌اند.

اکنون اعتراض‌ها وارد مرحله تازه‌ای شده است. اتحادیه‌های اصلی کارکنان آموزش و پرورش، از جمله FSU، SUD-Éducation و Solidaires، برای روز 6 اکتبر فراخوان اعتصاب و تظاهرات داده‌اند و چندین تشکل دانش‌آموزی و دانشجویی، همچنین فدراسیون والدین دانش‌آموزان، از

ادامه بسیج اعتراضی حمایت کرده‌اند. بدین ترتیب، اعتراض دانش‌آموزان که از مدارس آغاز شده بود، در آستانه تبدیل شدن به یک حرکت مشترک میان دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و کارکنان آموزشی قرار گرفته است.

بر اساس آخرین گزارش‌های منتشرشده در چهارم اکتبر، انتظار می‌رود روز دوشنبه حدود 400 تا 500 دبیرستان به‌طور کامل یا جزئی تعطیل باشند و دست‌کم 24 مدرسه نیز بر اثر آتش‌سوزی یا خرابکاری آسیب جدی دیده‌اند. وزارت آموزش همچنین از مجروح شدن 78 نفر از کارکنان آموزشی در جریان اعتراضات خبر داده است.

به این ترتیب، سه‌شنبه 6 اکتبر می‌تواند نقطه عطف اعتراضات باشد؛ روزی که برای نخستین بار بخش بزرگی از تشکلهای دانش‌آموزی، دانشجویی، معلمان و کارکنان آموزش و پرورش در یک حرکت مشترک وارد میدان خواهند شد. نتیجه این بسیج و میزان پاسخ دولت به مطالبات آموزشی می‌تواند تعیین کند که اعتراضات به سمت مذاکره و عقب‌نشینی دولت پیش برود یا به موج گسترده‌تری از اعتصابات‌ها و اعتراضات اجتماعی در فرانسه تبدیل شود.

***بحران مسکن اسپانیا؛ از اعتراض مستأجران و رد طرح‌های دولت تا فراخوان برای اعتصاب عمومی**

بحران مسکن در اسپانیا در روزهای اخیر به موجی گسترده از اعتراضات اجتماعی تبدیل شده است؛ موجی که از اعتراض به افزایش شدید اجاره‌بها، اخراج مستأجران و گسترش فعالیت سرمایه‌گذاران و مالکان بزرگ آغاز شد و اکنون به مطالبه اعتصاب عمومی برای حق برخورداری از مسکن رسیده است.



جرقه تازه این موج اعتراضی در اواخر سپتامبر و پس از اخراج «ماریکارمن آباسکال»، زن 87 ساله‌ای در مادرید، از خانه‌ای زده شد که بیش از 70 سال در آن زندگی کرده بود. ماجرای او به نمادی از بحران مسکن و ناامنی مستأجران تبدیل شد و در پی آن، گروه‌های مدافع حق مسکن در مادرید و شهرهای دیگر دست به تجمع، راهپیمایی و برپایی چادر زدند. در پایتخت، تحصن و چادرزدن در میدان پوئرتا دل سول تا امروز ادامه یافته است.

اعتراضات پس از آن ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد که پارلمان اسپانیا در روز جمعه 2 اکتبر دو طرح دولت برای مقابله با بحران مسکن را رد کرد. این طرح‌ها شامل تقویت حمایت از مستأجران، جلوگیری از اخراج افراد آسیب‌پذیر و تمدید برخی قراردادهای اجاره بود. رد این طرح‌ها خشم معترضان را افزایش داد و روز شنبه 3 اکتبر، ده‌ها هزار نفر در بیش از 50 شهر اسپانیا به خیابان آمدند. در مادرید، مقام‌های دولتی شمار شرکت‌کنندگان را حدود 70 هزار نفر اعلام کردند، در حالی که برگزارکنندگان رقم بسیار بالاتری را مطرح کردند.

معترضان خواهان کاهش چشمگیر اجاره‌بها، قراردادهای اجاره نامحدود، پایان اخراج‌ها، اختصاص خانه‌های خالی به استفاده اجتماعی و مقابله با صندوق‌های سرمایه‌گذاری و مالکان بزرگ هستند. سندیکاهای مستأجران همچنین خواستار کاهش 50 درصدی اجاره‌بها و سلب مالکیت از صندوق‌های موسوم به «صندوق‌های کرکس» شده‌اند. شعار «به سوی اعتصاب عمومی» به یکی از شعارهای اصلی راهپیمایی‌های اخیر تبدیل شده است.

اهمیت تازه این جنبش در آن است که بخش‌هایی از جنبش کارگری نیز مستقیماً وارد آن شده‌اند. کنفدراسیون عمومی کار (CGT) روز یکشنبه 4 اکتبر، در کنگره خود در شهر پارلا، تصمیم گرفت برای برگزاری یک اعتصاب عمومی 24 ساعته در اعتراض به بحران مسکن تلاش کند و زمان آن را با سندیکاهای مستأجران و جنبش‌های اجتماعی هماهنگ کند. اتحادیه‌های بزرگ‌تر، CCOO و UGT، هنوز درباره پیوستن به چنین اعتصابی تصمیم نهایی نگرفته‌اند، اما از اعتراضات اجتماعی در دفاع از حق مسکن حمایت کرده‌اند.

اعتراضات تنها به مادرید محدود نمانده است. در روزهای شنبه و یکشنبه، تجمع‌ها و راهپیمایی‌های جدیدی در شهرهایی از جمله بلبائو، اویدو، آلمریا، باداخو، سالامانکا، کونکا، لوگروییو، مورسیا، تروئل، کوردوبا و اورنس برگزار شده یا برای برگزاری آن اعلام شده است. در برخی شهرها نیز اردوگاه‌های اعتراضی برپا شده‌اند. در مادرید، اردوگاه میدان پوئرتا دل سول وارد هفتمین روز خود شده است.

بحران مسکن اکنون به یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی اسپانیا تبدیل شده است؛ زیرا رشد قیمت خرید و اجاره مسکن از افزایش عرضه جلو زده و بخش بزرگی از درآمد خانوارها صرف تأمین هزینه مسکن می‌شود. از این رو، اعتراض کنونی دیگر تنها مطالبه‌ای درباره یک قانون یا یک مورد اخراج نیست، بلکه به رویارویی گسترده‌تری بر سر نقش دولت، مالکان بزرگ، سرمایه‌گذاران و حقوق مستأجران تبدیل شده است.

اکنون چشم‌انداز اصلی جنبش، تبدیل اعتراض‌های خیابانی به اعتصاب عمومی است. تصمیم CGT می‌تواند این روند را وارد مرحله تازه‌ای کند؛ اما تحقق آن به همکاری سندیکاهای مستأجران با

تشکل‌های کارگری و مهم‌تر از همه، پیوستن یا حمایت عملی اتحادیه‌های بزرگ کارگری بستگی دارد. به این ترتیب، بحران مسکن اسپانیا در آستانه تبدیل شدن به یک مناقشه بزرگ اجتماعی - کارگری قرار گرفته است؛ مناقشه‌ای که می‌تواند بر سیاست دولت و حتی فضای انتخاباتی آینده اسپانیا نیز اثر بگذارد.

***بازهم واژگونی سرویس رفت و آمد کارگران کشاورزی؛ اینبار مرگ و مصدومیت 4 کارگردرسردشت**

خودرو حامل کارگران کشاورزی در محور جاده‌ای سردشت به کامیاران واژگون شد و یک کارگر زن بنام زهرا مصطفی‌زاده جان باخت و 3 کارگر دیگر مصدوم و به بیمارستان منتقل شدند.

***جان باختن 2 کارگرمقنی در شهرستان‌های تویسرکان و نهاوند بر اثر سقوط در چاه**

روزیکشنبه 12 مهر، یک کارگر 30 ساله حین کار تعمیر موتور آب چاه در روستای مبارک آباد شهرستان تویسرکان دچار برق‌گرفتگی شده سپس به داخل چاه آب سقوط کرد و جان باخت.

همچنین در روستای شهرک از توابع شهرستان نهاوند یک کارگر 60 ساله حین کار حفاری بر اثر سقوط به داخل چاه جان خود را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com